

دادگستری کل استان لرستان

شماره دادنامه :

شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی دادگستری شهرستان الشتر

تاریخ تنظیم : ۱۴۰۱/۱۰/۲۷

خواسته: تایید رجوع رهبه موضوع سند رسمی اقرار نامه

صدور حکم بر فسخ قرارداد موضوع سند اقرار نامه یاد شده با این وصف که وکیل خواهان توضیح داده موکل به موجب سند عقد نامه رسمی شماره مورخه همسر شرعی و قانونی خوانده میباشد و حسب سند اقرار نامه فوق الذکر تعداد ۲۸۶ سکه طلا تمام بهار آزادی از ۳۰۰ سکه را به خوانده هبه نموده است و چون هیچ گونه قبض و اقباضی صورت نگرفته و با توجه به اختلاف پیش آمده و ارسال اظهار نامه مراتب رجوع موکل از هبه خود را به خوانده اعلام نموده است خوانده نیز دفاعیات خود را به شرح لایحه پیوست دایر بر عدم رجوع به هبه تقدیم دادگاه نموده است.

بر حسب آنکه مهریه عین باشد یا دین امکان بخشش آن در قالبهای به خصوصی صورت می پذیرد و این گونه نیست که هر نوع مال موضوع مهریه در همه قالب های موجود قابل بخشش باشد. آثار مترتب بر هر یک از این اشکال بخشش مهریه متفاوت می باشد. از جمله مهمترین آنها امکان یا عدم امکان رجوع زن به مهریه در صورت پشیمانی از این بخشش است.

ماهیت بخشش مهریه در فرضی که مهریه عین یا دین یا مال کلی فی الذمه باشد و نیز نهادها و اعمال حقوقی که میتوان بخشش مهریه عین معین یا کلی فی الذمه را در آن قالبها پیاده سازی کرده و هر یک از این ماهیتها و اعمال که متضمن بخشش الزام یا عدم الزام به قبض مورد مهریه و چگونگی قبض بایستی مورد بررسی قرار گیرد. معطوفاً به اینکه طرح بحث اصالت یابی ماهیت متضمن بخشش در حالتی که نتوان از ظهورات حالی یا مقالی و ظهورات الفاظ مستعمل در اسناد عادی یا رسمی متضمن بخشش مهریه اراده زوجه نسبت به یکی از اعمال حقوقی متضمن مهریه بدست آورد، به عنوان قاعده ماخوذ از عرف و غلبه به عنوان یکی از مهم ترین ابزار تفسیر اراده زوجه، عمل حقوقی برگزیده مشخص می شود.

اعمال حقوقی متضمن بخشش به سه دسته تقسیم می گردند:

نخست: ابراء

ابرا در زمره ایقاعات است و صرفاً به اراده زوجه محقق می شود و بر این اساس ابرای مهریه به اراده زوج و قبول وی نیاز ندارد. بنابراین و حسب ماده ۲۸۹ قانون مدنی اگر مورد مهر عین معین باشد، زوجه نمی تواند مهریه را در قالب ابراء اسقاط نماید، لکن از آن جا که عمده و غالب مهرها به صورت دین و کلی فی الذمه مورد توافق قرار می گیرد مانند تعدادی سکه طلا و از آن جا که دین و مال کلی فی الذمه با ابرا قابل اسقاط است.

در نتیجه این قسم از مهرها قابل اسقاط از طریق ابراء می باشند. استقرار و تزلزل دین موثر در مقام نیست و دین در هر دو صورت میتواند از طلب خود صرف نظر کند؛ بنابراین اگر مهریه مال کلی و دین باشد، زوجه میتواند از حق خود نسبت به تمام مهریه حتی قبل از استقرار نیمی از آن صرف نظر کند و ذمه زوج را بری سازد.

دوم: هبه

بر اساس ماده ۷۹۵ قانون مدنی بر خلاف نظر برخی از فقها که موضوع هبه را عین میدانند. (محقق حلی - شرایع الاسلام - ج ۲ ص ۱۷۹ ، شهید ثانی - الروضه البهیة - ج ۳ ص ۱۹۲) برای موضوع هبه، ویژگی خاصی لازم ندیده و به صورت مطلق از کلمه مال استفاده نموده و سپس از این مال با عنوان عین موهوبه یاد کرده است. استفاده از عبارت ((عین موهوبه)) بعد از تعریف عقد همه در ماده ۷۹۵ قانون یاد شده و همچنین استفاده از این عبارات در مواد ۸۰۰ ۸۰۳ ۸۰۴ همان قانون نمی تواند باعث ایجاد این تفکر گردد که (موضوع هبه منحصرأ عین است)؛ چرا که قانون گذار در ماده ۸۰۶ صریحاً از همه دین سخن گفته است که نشان می دهد از منظر قانون گذار موضوع هبه منحصر در عین نیست و می تواند به دین و مال کلی نیز تعلق بگیرد.

با توجه به این که در فقه نیز برخی از فقها موضوع عقد هبه را مال می دانند. (محمد لعانی خوانساری - الحاشیه منافی فیه علی الکاسب ص ۲۸۳ ، میرزا فتاح شهیدی . هدایه الطالب الی السرار المکاسب - ج دو - ص ، محمد حسین کاشف الغطاء تحریر الجملة - ج ۲ قسم ۱ - ۶۱ ، میرزا جواد تبریزی - ارشاد الطالب الی التعلیق علی المکاسب - ج ۲ ص ۳۲۶) انواع مال اعم از عین و منفعت و حقوق مالی قابل انتقال قابل هبه خواهد بود. از این

رو، هبه در هر صورتی که مورد مهرعین باشد قطعاً صحیح است. اما با توجه به اینکه غالب مهریه ها کلی فی الذمه هستند. آیا این طلب کلی فی الذمه نیز میتواند موضوع هبه قرار گیرد یا خیر؟

در پاسخ به این سوال نهاد هبه طلب ایجاد گردیده است و در ماده ۸۰۶ قانون مدنی بدان تصریح شده است. در خصوص این که همه طلب از سوی طلبکار امکان دارد یا خیر؟ اختلاف نظر وجود دارد؛ دیدگاه نخست غیر قابل هبه بودن مهریه کلی فی الذمه و تبدیل ماهیت به ابراء است. (ابن ادریس حمله، السرائر الحاوی التحریر الفتاوی. ج ۳ ص ۱۷۶ - محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۲ ص ۱۷۹ - علامه حلی، مختلف الشیعه، ج ۶، صص ۲۷۶، ۲۷۷ - شهید ثانی مالک الافهام ج ۶ ص ۱۲ و ۱۵ - سید ابوالقاسم خوبی، منهاج الصالحین، ج ۳ ص ۲۰۴ و) دیدگاه دوم صحت هبه مهر کلی فی الذمه است.

فقیهان قائل به این دیدگاه معتقدند که هر چند نتیجه هبه طلب به مدیون سقوط دین و این اثر مشابه به ابراء است، لکن این دو نهاد یکسان نیستند. (محمد حسن نجفی جواهر الکلام، ج ۲۸ ص ۱۶۵ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، تکمله العروه الوثقی. ج ۱ ص ۱۶۱ - سید ابوالحسن اصفهانی. وسیله النجاه. ص ۵۲۳ - امام خمینی تحریر الوسیله. ج ۲. ۲۱ م - سید عبد الاعلی، سبزواری، لهدب الاحکام، ج. ص ۲۵۹)

سوم: صلح، عقد صلح مانند سایر عقود یک عقد مستقل محسوب میشود؛ زیرا اصل در عقود این است که فرع بر عقد دیگر نباشد. با وجود این که صلح فایده عقود مختلف را دارد، ولی افاده فایده عقد دیگر مقتضی این نیست که از افراد آن عقد باشد. قانون مدنی در ماده ۷۵۲ معنای موسع صلح را بیان کرده است؛ البته با این قید که موضوع صلح نباید بر خلاف قواعد آمره باشد (ماده ۷۵۴ ق.م).

با توجه به این معنای موسع، عقد صلح مانند قالب و ظرفی است که نتیجه اعمال حقوقی گوناگون در قالب صلح قابلیت بروز و ظهور دارند از این رو زوجه میتواند هر عمل حقوقی مرتبط با بخشش مهریه را در قالب صلح منعقد کند. (ماده ۷۵۷ ق.م) در نهایت همانگونه که گفته شده میتوان نتیجه گیری کرد که بخشش مهریه عین معین میتواند در قالب عقود هبه یا صلح به عمل آید، اما در قالب ابراء نمی تواند محقق شود.

۲- بخشش مهریه کلی فی الذمه می تواند در قالب نهادها و اعمال حقوقی متعددی صورت گیرد. ایقاع ابراء و عقود هبه و صلح از مهمترین اعمال حقوقی متضمن بخشش مهر کلی فی الذمه است.

۳- در صورتی که از ظهورات حالی و مقالی محیط بر جریان بخشش مهر و ظهورات الفاظ و عبارات مستعمل در گفتگوهای شفاهی و عادی یا رسمی متضمن بخشش مهر، نتوان اراده وقوع یکی از سه عمل حقوقی ابراء، هبه و صلح را تحصیل کرد، اصل بر آن است که بخشش مهر عین معین یا عمل حقوقی هبه صورت می گیرد و بخشش مهر کلی فی الذمه در قالب عمل حقوقی ابرا صورت می گیرد

۴- در هیچ یک از اعمال حقوقی ابراء، هبه و صلح در صورتی که مورد آن کلی فی الذمه باشد، نیاز به قبض وجود ندارد. بلکه با وجود استقرار و ثبوت دین بر ذمه زوج، قبض مفروض و انجام شده در نظر گرفته می شود.

التهایه با توجه به ارائه دیدگاههای مختلف نسبت به بذل مهرکلی فی ما فی الذمه (هبه - ابرا) لذا نتیجه هر دو اسقاط دین و عدم رجوع زوجه به بذل صورت گرفته می باشد. لذا مستندا به ماده ۱۹۷ قانون مدنی و مستندات و استنادات مرقوم به بطلان دعوی اقامه شده انشاء حکم می شود. رای اصداری حضوری و ظرف مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در محاکم تجدید نظر استان لرستان می باشد.

رئیس شعبه اول دادگاه عمومی (حقوقی دادگستری شهرستان الشتر

